



نگاهی تازه به افعال جعلی با پسوند -ist- ایرانی میانه غربی در گویش کنونی سراوانی بلوچی

A Further Examination of Derived Verbs with the Middle Western Iranian Suffix -ist in the Contemporary Saravani Balochi Dialect

Abdolmajed Sepahiyan [✉]

¹ MA in ancient Iranian culture and languages, Velayat University, Iran;
Corresponding author: abdolmajed.mosaper@gmail.com

عبدالماجد سپاهیان [✉]

¹ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه ولایت
ایران‌شهر، ایران. نویسنده مسئول: abdolmajed.mosaper@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
وجود افعال با ساخت‌های متعدد جعلی از دوره میانه زبان‌های ایرانی غربی، و تنوع و گستردگی ساختار و کاربرد آن‌ها، از پدیده‌های مهم زبان‌شناختی بوده و اشکال متعددی از آن‌ها به زبان‌های ایرانی کنونی نیز رسیده است. در پژوهش حاضر، به کاربرد فراوان ساخت‌های فعلی جعلی‌ساز با پسوند -ist (= -est) در یکی از گونه‌های زبانی بلوچی با نام گونه سراوانی، اشاره شده و به دسته‌بندی و بررسی تاریخی - تطبیقی این افعال با فارسی میانه و همچنین بررسی هم‌زمانی و مقایسه صورت آن‌ها با زبان فارسی نو و برخی گویش‌های دیگر بلوچی (رخشانی، مکرانی) پرداخته شده است. با توجه به اندک بودن منابع مکتوب و پردازش کم این گونه افعال در گویش ذکرشده، روش میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب شد؛ اما به‌منظور یافتن معادل‌های این افعال در گویش‌های دیگر، روش کتابخانه‌ای و مراجعه به فرهنگ‌های بلوچی، فارسی میانه و نوین رایج نیز استفاده گردید. از تطبیق افعال جعلی گویش سراوانی با معادل‌های فارسی میانه و نو مشاهده شد که اکثر افعال هم‌ریشه، در معادل‌های فارسی به‌صورت غیرجعلی و اصلی هستند؛ اما در مواردی مشابهت‌هایی نیز یافت شد. با توجه به وجود نمودهایی از این ساخت در زبان‌های دوره میانه و یافتن ارتباط معنادار میان گویش سراوانی، می‌توان نتیجه گرفت که افعال جعلی گویش سراوانی ریشه در دوره میانه و باستان این گویش و زبان بلوچی دارد.	تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷
	واژگان کلیدی فعل جعلی گویش سراوانی زبان بلوچی فارسی میانه فارسی نو
Abstract: The presence of verbs with multiple derived formations in Middle Western Iranian languages, along with the diversity and range of their structures and functions, represents a significant linguistic phenomenon, with many forms continuing into modern Iranian languages. The present study highlights the frequent use of deverbal constructions formed with the suffix -est (= -ist) in the Saravani variety of Balochi. It categorizes and examines these verbs through a historical-comparative approach with Middle Persian and provides a synchronic comparison with New Persian and other Balochi dialects (Rakhshani and Makrani). Given the limited availability of written sources and the lack of systematic study on such verbs in the Saravani dialect, fieldwork methods were employed to collect primary data. To identify equivalents in other dialects, however, library research and reference to Balochi, Middle Persian, and Modern Persian lexicons were also undertaken. The resulting comparison of Saravani derived verbs with their Middle and New Persian counterparts shows that most cognates appear in Persian as non-derived, primary verbs while some parallels can also be observed. Based on the attested presence of such formations in Middle Iranian languages and the meaningful correspondences found with the Saravani dialect, it may be concluded that the derived verbs of Saravani ultimately trace back to the Middle and even old stages of this dialect and of the Balochi language.	History Received: April 03, 2025 Accepted: June 07, 2025
	Keywords Derived verb Saravani dialect Balochi language Middle Persian New Persian

استاد: سپاهیان، عبدالماجد (۱۴۰۴). بررسی نموده‌های بیشتری از افعال جعلی با پسوند -ist- ایرانی میانه غربی در گویش کنونی سراوانی بلوچی. گویش پژوهی، ۱(۱)، ۳۵-۴۶.

<https://dx.doi.org/10.61882/jdr.1.1.3>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامه گویش پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

فعل جعلی از دوره میانه زبان‌های ایرانی غربی در برخی افعال ظاهر شده است؛ به گونه‌ای که، علاوه بر ماده‌های ماضی‌ای که بازمانده صفت‌های مفعولی نقلی و صفت‌های فاعلی نقلی باستانی‌اند، ماده‌های ماضی دیگری هم که جعلی نامیده می‌شوند، به کار رفته‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۹۷: ۱۶۰). تنوع ساختار و کاربرد این نوع فعل‌ها در فارسی میانه و تداوم برخی از گونه‌های آن در فارسی دری، از پدیده‌های مهم زبان‌شناختی است. از شواهد و قرائن برمی‌آید که فلسفه وجودی این ساختار، یا دست‌کم یکی از غایات آن، تبیین زبان علمی و فلسفی و شرح و گزارش متون دینی و تخصصی آن روزگاران بوده است.

بنابر برخی نظرات پیرامون این افعال، دانشمندان و علمای دینی، به‌منظور بیان مفاهیم و مسائل دینی و علمی و فلسفی زمان خود، ظاهراً به واژه‌های فعلی بسیاری نیاز داشته‌اند و از این حیث، به‌ویژه هنگامی که پای اقتباس و ترجمه از زبان بیگانه به زبان فارسی میانه در میان بوده است، احساس کمبود و تنگنا می‌کرده‌اند و برای جبران این کمبود، ناگزیر به جعل می‌پرداخته‌اند. از این رو، در متن‌های پهلوی مانند دینکرد، دادستان دینی، زادسپرم که رنگ و صبغه دینی و فلسفی دارند، فعل‌های جعلی بیشتر به چشم می‌خورد. در برخی از متن‌های پهلوی مانند بُندهش نیز، که رنگ و بوی علمی - اسطوره‌ای دارند، فعل‌های جعلی اغلب به کار رفته است. این فعل‌ها از اسم و صفت و ضمیر و قید و حتی گاهی از پیشوند و حرف اضافه ساخته شده‌اند (منصوری، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

با عنایت به گستردگی کاربرد این نوع افعال در برخی زبان‌های ایرانی دوره میانه، اشکال متعددی از آن‌ها به زبان‌های ایرانی کنونی نیز رسیده است. از میان زبان‌های دوره میانه، در زبان‌های فارسی میانه و پارتی میانه، ماده‌های ماضی جعلی مشاهده شده است. ماده‌های ماضی جعلی در فارسی میانه با *-ist* و *-īd* و در پارتی با *-ād* ساخته می‌شوند. با توجه به این که فارسی نو صورت تحول‌یافته فارسی میانه است، نمودهایی از این افعال — که بازمانده صورت‌های قبلی هستند — در این زبان وجود دارد. اما زبان پارتی دیگر یک زبان مرده به حساب می‌آید و زبان‌شناسان در میان زبان‌ها و گویش‌های کنونی ایرانی، هیچ‌یک را فرزند و بازمانده بلافصل این زبان نمی‌دانند؛ با این حال، بسیاری از ویژگی‌های این زبان در برخی از زبان‌های ایرانی نو وجود دارد.

به هر حال، وجود شواهد و مدارک در این زبان‌ها کمک کرده است که با بررسی تاریخی - تطبیقی و در نظر گرفتن روابط خویشاوندی، پیشینه و ریشه بسیاری از ویژگی‌های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی زبان‌ها و گویش‌های کنونی ایرانی — که گذشته‌ای گنگ و مبهم و بدون سند دارند — تا حدودی روشن شده باشند. یکی از این زبان‌ها، زبان بلوچی است که به خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی تعلق دارد. با توجه به قرابت بالای این زبان و گویش‌های متعدد آن با زبان‌های ایرانی، و به سبب تحوّل اندک اتفاق افتاده در ساخت و آواهای این زبان، علاوه بر تأثیر زیادی که مطالعه متون باستانی و میانه ایرانی در روشن شدن بسیاری از ویژگی‌های این زبان داشته است، این زبان نیز کمک شایانی به مطالعات زبان‌های باستانی ایرانی کرده است.

سراوانی یکی از گویش‌های بلوچی است که با توجه به ویژگی‌هایش، در رده گویش‌های شمالی این زبان به حساب می‌آید. یکی از جالب‌ترین ویژگی‌هایی که در گویش سراوانی بلوچی مشاهده می‌شود — و آن را از دیگر گویش‌های بلوچی متمایز می‌سازد — وجود بی‌شمار افعالی است که با پسوند *-est* (که شباهت بسیار زیادی به فرایند جعلی شدن افعال با پسوند *-ist* در فارسی میانه دارد) به صورت جعلی درمی‌آیند.

در پژوهش حاضر، ضمن معرفی ماده‌های فعلی جعلی‌ساز در گویش‌های مختلف زبان بلوچی، و با توجه به افعال جعلی فراوان با پسوند *-ist* در گویش سراوانی بلوچی، به دسته‌بندی این افعال و بررسی تاریخی - تطبیقی آن‌ها با فارسی میانه، و همچنین بررسی هم‌زمانی و مقایسه صورت آن‌ها با زبان فارسی نو و دیگر گویش‌های بلوچی، پرداخته خواهد شد. با توجه به

مطالعات نسبتاً اندکی که در زمینه زبان کم‌ترتحوّل یافته بلوچی صورت گرفته است، پیش‌بینی می‌شود که نتایج جالب و مفیدی در مورد افعال جعلی زبان‌های ایرانی به‌دست آید.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در فارسی میانه، و به پیروی از آن در فارسی دری، در کنار فعل‌های اصلی، فعل‌هایی پدید آمده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را مستقیماً بازمانده صفت‌های فاعلی و مفعولی یا دیگر ماده‌های زبان ایرانی باستان دانست؛ بلکه با ساختاری نو و شیوه‌ای تازه در فارسی میانه ساخته شده‌اند و برخی از آن‌ها به فارسی دری رسیده و رایج و متداول گشته‌اند. این گونه فعل‌ها که در متن‌های فارسی میانه و حتی فارسی دری، از نظر شمار و کاربرد، درخور توجه‌اند، «فعل‌های جعلی» نامیده شده‌اند (منصوری، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

صیغه‌های ماضی و مضارع جعلی ایرانی میانه، از ماده‌های ماضی و مضارع جعلی به دست می‌آیند. ماده‌های مضارع جعلی یا بدون افزوده شدن چیزی به اسم، همان اسم به عنوان ماده مضارع به کار می‌رود — مانند *kām* و *xwār* در فارسی میانه زرتشتی که اسم‌اند و به عنوان ماده مضارع نیز به کار می‌روند — یا با افزودن *-ēn* به پایان اسم و صفت ساخته می‌شوند؛ مانند *rām-ēn* به معنی آرامش دادن و *paydāg-ēn* به معنی پیدا کردن در فارسی میانه ترفانی. *rām* اسم و *paydāg* صفت است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

ماده‌های ماضی جعلی نیز با افزودن پسوندهای *-ist* و *-īd* در فارسی میانه و *-ād* در پهلوی اشکانی ترفانی ساخته می‌شوند. همچنین، ماده‌های ماضی ماده‌های مضارع جعلی، ماده‌های واداری، ماده‌های مجهول، بازمانده‌های فعل‌های آغازی ایرانی باستان، برخی از ماده‌های مضارع جعلی‌اند. در ایرانی میانه غربی، هر ماده مضارع، علاوه بر ماده ماضی اصلی، می‌تواند یک ماده ماضی جعلی نیز داشته باشد (همان، ۱۶۰).^۱

جدول ۱: نمونه‌هایی از ماده‌های ماضی جعلی از ماده‌های مضارع در ایرانی میانه غربی (ابوالقاسمی، ۱۳۹۷: ۱۶۱)

ماده مضارع	پهلوی اشکانی	فارسی میانه	فارسی دری
ماده مضارع جعلی	<i>kām-ād</i>	<i>kām-ist</i>	کامست
ماده مضارع واداری	<i>āxēz-ēn-ād</i>		برخیزاند
		<i>paydāg-ēn-īd</i>	پیدا کرد
ماده مضارع مجهول		<i>xwān-īh-ist</i>	خوانده شد
ماده مضارع بازمانده ماده آغازی	<i>tirs-ād</i>	<i>tirs-īd/tars-īd</i>	ترسید
ایرانی باستان			
ماده‌های مضارع		<i>abāy-ist</i>	بایست
		<i>dān-ist</i>	دانست
		<i>šāy-ist</i>	شایست
		<i>tāš-īd</i>	ساخت
		<i>tuxš-īd</i>	تُخشید (کوشید)
		<i>tuwān-ist</i>	توانست

^۱ برای مطالعه بیشتر در مورد فعل‌های جعلی ایرانی میانه غربی رجوع شود به: منصوری، یدالله، (۱۳۸۴). بررسی ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری، نامه فرهنگستان، ۶، ۲: ۱۰۸-۱۲۴.

در مجموع باید گفت، تکواژ پایه ماضی ساز «ت» است که در مجاورت واکه یا همخوان واکدار به «/d/» بدل می‌شود. تکواژهای /ad/، /id/، /ud/، /st/، /xt/ و /št/ در دوره‌ای از زبان فارسی، از راه قیاس با بن‌های ماضی موجود پدید آمدند و بن‌های ماضی بسیاری از این راه ساخته شدند که آن‌ها را «قیاسی» یا «جعلی» می‌نامند (غلامحسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶). اما در فارسی امروز، پسوند جعلی -ist و -est- زایایی خود را از دست داده‌اند و هیچ بن ماضی‌ای از این طریق ساخته نمی‌شود. البته، پسوند جعلی -id- زایا است و می‌توان گفت تقریباً تمام افعال جدیدی که از اسم یا صفت ساخته می‌شوند، با پسوند -id- به بن ماضی تبدیل می‌گردند (کریمپور و همکاران، ۱۳۹۰).

پیرامون چرایی وقوع چنین تحولاتی در افعال فارسی، باید به وجود محورهای هم‌نشینی و جانشینی زبان اشاره کرد. این دو محور، اساس کار زبان را تشکیل می‌دهند. افعال نیز دارای محوری هستند که در هنگام سخن گفتن، گوینده بر اساس منظوری که دارد، یکی از آن‌ها را از محور خود بیرون کشیده و در زنجیره گفتار قرار می‌دهد. حال ممکن است در یک زبان، از محور جانشینی صرفه‌جویی و برعکس، از محور هم‌نشینی استفاده شود. به عبارت دقیق‌تر، در زبان، هنگامی که زنجیره گفتار شکل می‌گیرد، ممکن است برخی از واحدهای محور جانشینی حذف شوند و به جای آن، دو یا سه یا چند واحد از محورهای از پیش موجود زبان با هم ترکیب شده و «گروهه» جدیدی ساخته شود و مورد استفاده قرار گیرد. اصولاً زبان به چنین کاری دست می‌زند. مطابق با نظریه اطلاع^۲، واحدها یا ساخت‌هایی که در زبان به کار می‌روند، برای باقی ماندن در ذهن، هرکدام مستلزم صرف مقداری نیرو هستند که اصطلاحاً «هزینه» نامیده می‌شود. مقدار این هزینه نسبت به عناصر مختلف متفاوت است؛ اگر فراوانی یک عنصر زیاد باشد، هزینه‌اش کمتر است و بالعکس، اگر فراوانی یک عنصر کم باشد، هزینه‌اش بیشتر است، یعنی ذهن برای حفظ آن باید تلاش بیشتری بکند. از این رو، گرایش زبان به حفظ و استفاده از عناصری است که هزینه‌شان کم و فراوانی و در نتیجه بازدهی‌شان بیشتر است و عناصری را که فراوانی آن‌ها کم و هزینه‌شان زیاد است، حذف می‌کند (صادقی، ۱۳۴۹: ۷۹۹).

در میان زبان‌های ایرانی کنونی، این تنها زبان فارسی نیست که نمودهایی از افعال جعلی دوره میانه در آن یافت می‌شود. یکی از زبان‌هایی که در آن افعال جعلی دوره میانه به اشکال متعدد باقی مانده‌اند، زبان بلوچی است. زبان زنده بلوچی، زبان مردم بلوچ و یکی از زبان‌های نو ایرانی است. اگرچه بلوچستان در بخش شرقی فلات ایران واقع شده است، اما زبان بلوچی بنا بر ملاحظات و بررسی‌های زبان‌شناسان، به گروه زبان‌های غربی و شاخه شمالی آن تعلق دارد (Elfenbein, 1989). امروزه، ریشه ایرانی این زبان، با توجه به تحقیقات تاریخی و تطبیقی زبان‌شناسان مختلف، امری ثابت شده است. به‌طوری‌که اکنون، از میان شواهد اثبات خویشاوندی قوم بلوچ با اقوام ایرانی و از این طریق با اقوام هند و ایرانی و هندواروپایی، «عنصر زبان» را می‌توان یکی از قوی‌ترین شواهد تلقی کرد (محمودزهی، ۱۳۷۹).

این زبان دارای گویش‌های متنوعی است که هر یک ویژگی‌های مشخصی دارند. زبان‌شناسان نخست تصور می‌کردند که اساساً دو گویش بلوچی وجود دارد: گویش‌های شمالی و جنوبی. گایگر^۳ (۱۸۸۹) و دیمز^۴ (۱۸۹۱) از جمله پیروان این نظریه بودند. نخستین زبان‌شناسی که نظری متفاوت مطرح کرد، گریرسون^۵ (۱۹۲۱) بود که «بلوچی غربی» را در مقابل «بلوچی شرقی» پیشنهاد داد.

² information

³ Geiger

⁴ Dames

⁵ Grierson

الفنباین (۱۹۶۶)، بارکر^۶ و مینگال^۷ (۱۹۶۹) و جهانی (۱۹۸۹) از پیروان طبقه‌بندی دوم هستند. با این حال، دقیق‌ترین تقسیم‌بندی گویش‌های بلوچی را الفنباین ارائه داده است. به گفته او (۱۹۸۹: ۶۳۶-۶۳۷)، بلوچی از دو گروه اصلی گویش‌های شرقی و غربی تشکیل شده است که خود به شش گویش تقسیم می‌شوند: ۱. رخشانی با سه زیرشاخه سرحدی (که شامل بلوچی سیستان و بلوچی ترکمنستان می‌شود)، پنجگوری و کلاتی؛ ۲. سراوانی؛ ۳. لاشاری؛ ۴. کیچی؛ ۵. گویش‌های ساحلی و ۶. بلوچی تپه شرقی. جهانی و گرن (۲۰۰۹: ۶۳۶) به‌طور کلی گویش‌های بلوچی را به سه گروه بلوچی شرقی، غربی و جنوبی تقسیم کرده‌اند. جهانی تعداد کل گویشوران بلوچی را بین ۵ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده است (۲۰۰۱: ۵۹).

فعل جعلی در تمامی گویش‌های زبان بلوچی به صورت‌هایی نمود یافته است. از جمله یکی از روش‌های تولید افعال جعلی در تمامی گویش‌های متعدد زبان بلوچی افزودن پسوند -en- پس از اسم/صفت یا بُن مضارع است که پس از پسوند ذکر شده شناسه فعل صرف شده قرار خواهد گرفت. به شیوه‌های ذیل:

۱- اسم/صفت + پسوند -en- = ماده مضارع جعلی.

جدول ۲: مثال‌هایی از ماده مضارع جعلی ساخته شده از ترکیب اسم/صفت و پسوند -en- (منبع: یافته‌های پژوهش)

اسم/صفت	ترجمه فارسی	ماده مضارع جعلی شده	ترجمه فعل جعلی شده
poll	گل	Poll-en	شکوفان
tropš	نُرش	tropš-en	نُرشان
čot	کج، خمیده	čot-en	کج شده
tors	ترس، بیم	tors-en	ترسان

۲- ماده مضارع اصلی + پسوند -en- = ماده مضارع جعلی.

جدول ۳: مثال‌هایی از ماده مضارع جعلی ساخته شده از ترکیب ماده مضارع اصلی و پسوند -en- (منبع: یافته‌های پژوهش)

ماده مضارع اصلی	ترجمه فارسی	ماده مضارع جعلی شده	ترجمه فعل جعلی شده
čār	بن مضارع از چارگ (نگاه کردن)	čār-en	خوراندن
gwāz	گذر، عبور	gwāz-en	گذران
hall	بن مضارع از هلگ (خلاص شدن)	hall-en	خلاصان

به‌علاوه باید متذکر شد که افعالی مانند trākēn, wāpēn, wārēn که به بُن مضارع شان مصوت کشیده ā اضافه گردیده است^۸، نیز در همین ردیف جای می‌گیرند و این افزوده شدن مصوت کشیده به بُن مضارع در طی یک تحول طبیعی و احتمالاً به قیاس از افعالی مانند čārēn و... اتفاق افتاده و جعلی شده‌اند. همچنین از ترکیبات زیر، ماده‌های ماضی جعلی نیز ساخته می‌شود:

۱- اسم/صفت + پسوند -ent- = ماده ماضی جعلی.

^۶ Barker

^۷ Mengal

^۸ بُن مضارع اصلی افعال ذکر شده به ترتیب war, waps, trakk است.

جدول ۴: مثال‌هایی از ماده ماضی جعلی ساخته شده از ترکیب اسم/صفت و پسوند -ēnt (منبع: یافته‌های پژوهش)

اسم/صفت	ترجمه فارسی	ماده ماضی جعلی شده	ترجمه فعل جعلی شده
poll	گل	Poll-ēnt	شکفته کرد، شکوفاند
tropš	ترش	tropš-ēnt	ترش کرد
čot	کچ، خمیده	čot-ēnt	کچ کرد
tors	ترس، بیم	tors-ēnt	ترساند

۲- ماده مضارع اصلی + پسوند -ēnt = ماده ماضی جعلی.

جدول ۵: مثال‌هایی از ماده ماضی جعلی ساخته شده از ترکیب ماده مضارع اصلی و پسوند -ēnt (منبع: یافته‌های پژوهش)

ماده مضارع اصلی	ترجمه فارسی	ماده ماضی جعلی شده	ترجمه فعل جعلی شده
čār	بن مضارع از چارگ (نگاه کردن)	čār-ēnt	خوراند
gwāz	گذر، عبور	gwāz-ēnt	گذراند
hall	بن مضارع از هلگ (خلاص شدن)	hall-ēnt	خلاصاند

تقریباً تمام بُن‌های مضارع اصلی افعال زبان بلوچی به همین صورت جعلی شده و معانی جدید خود را در ساختاری باقاعده دریافت می‌کنند. درباره ریشه وجود چنین افعالی، با توجه به مستندات موجود از زبان‌های ایرانی میانه، می‌توان این پسوندها را با پسوندهای -en جعلی‌ساز فارسی میانه، هم‌ریشه دانست؛ پسوندهایی که با افزوده شدن به اسم، صفت، ضمائر مشترک، برخی پیشوندها و حروف اضافه، ماده‌های ماضی و مضارع جعلی می‌ساختند. در زبان بلوچی امروزی، با افزوده شدن این پسوند به اسم و بُن مضارع اصلی، در حقیقت نمودهایی از افعالی را می‌بینیم که نخستین بار در زبان‌های میانه ایرانی مشاهده شده‌اند. افزون بر این، پسوند -an در انتهای اسم و بُن‌های مضارع افعال اصلی نیز نوعی دیگر از شیوه‌های ساخت فعل جعلی در گویش‌های عمده بلوچی است که می‌توان نمونه‌های فراوانی از این نوع افعال را نیز یافت.

درباره افعال جعلی در زبان‌های ایرانی، تحقیقات اختصاصی و ویژه‌اندکی انجام شده است. از جمله پژوهش‌های داخلی در این زمینه می‌توان به پژوهش منصوری (۱۳۸۴) با عنوان بررسی ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری اشاره کرد. پژوهشگر در این اثر، ضمن تبیین سامان‌بندی دستگاه فعلی زبان فارسی میانه در دو گروه «افعال اصلی» و «افعال موسوم به جعلی» و سیر تحول آن‌ها تا فارسی دری، به دسته‌بندی افعال اصلی (به‌طور مختصر) و افعال جعلی (به‌طور مفصل) پرداخته است. در این دسته‌بندی، افعال جعلی به صورت منظم و تفکیک شده، در قالب ماده‌های مضارع جعلی و ماده‌های ماضی جعلی، به ترکیباتی پرداخته‌اند که در فارسی میانه و فارسی دری منجر به تشکیل این ماده‌های جعلی شده‌اند. در پایان نیز به نقشی که ساخت این افعال در فرایند واژه‌سازی زبان فارسی ایفا کرده‌اند اشاره شده است. همچنین در کتاب‌ها و پژوهش‌های دیگر از جمله پژوهش‌های ابوالقاسمی (۱۳۹۷)، غلام‌حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، کریمپور و همکاران (۱۳۹۰)، حق‌بین (۱۳۸۳)، صادقی (۱۳۸۰)، ۱۳۴۹ نیز به معرفی افعال جعلی در فارسی میانه و فارسی دری و شیوه‌های ساخت آن پرداخته شده است. با این حال، درباره فعل جعلی در زبان بلوچی، تاکنون در پژوهش‌های مختلف اشاره‌ای خاص و ویژه نشده است.

۳. افعال جعلی با پسوند -est در گویش کنونی سراوانی بلوچی

افزون بر شیوه‌های ذکرشده در ساختن افعال جعلی در گویش‌های زبان بلوچی، یک شیوه دیگر نیز وجود دارد که نمودهای فراوانی از آن تنها در گویش سراوانی این زبان مشاهده می‌شود. سراوان، شهری تاریخی و مرزی در بلوچستان است که نام پیشین آن «شستون» بوده است. این شهر، شرقی‌ترین شهر در بلوچستان ایران به شمار می‌رود (جهاندیده، ۱۳۹۶: ۲۷۰۶). با این حال، گویشی که به این شهر منسوب است، قلمروی رواج آن فراتر از شهرستان سراوان بوده و از جنوب تا نزدیکی راسک و تا شمال ایرانشهر امتداد می‌یابد. دو شهر مهم بمپور و ایرانشهر نیز در منطقه رواج گویش سراوانی واقع‌اند. این گویش از سمت شرق از مرز نیز گذشته و در پاکستان نیز گویشورانی دارد؛ اما قلمروی اصلی آن ایران است و در ایران نیز از بیشترین اعتبار برخوردار است (Elfenbein, 1989).

همان‌گونه که بیان شد، در یک تقسیم‌بندی کلی، جهانی و کورن (۲۰۰۹) لهجه‌های اصلی بلوچی را به سه گروه غربی، جنوبی و شرقی تقسیم می‌کنند. این، یک تقسیم‌بندی کلان گویشی است که در آن می‌توان بازشناسی‌های دقیق‌تری انجام داد، چراکه برخی از گویش‌ها به راحتی در هیچ‌یک از این سه گروه نمی‌گنجند. برای نمونه، می‌توان از گویش سراوانی ایرانی نام برد که ویژگی‌هایی انتقالی میان بلوچی غربی و جنوبی را نشان می‌دهد (آهنگر و همکاران، ۲۰۱۳).

گویش سراوانی با سایر گویش‌های بلوچی رایج در ایران متفاوت است. همخوان‌های این گویش تقریباً مشابه با صامت‌های دیگر گویش‌های بلوچی هستند، به جز گویش شرقی و رخشانی. واج‌های /f/، /x/، /q/ و /ʃ/ که در نظام‌های آوایی عربی، فارسی و اروپایی یافت می‌شوند، اغلب توسط گویشوران این منطقه به /p/، /h/، /k/ و /g/ تغییر یافته‌اند. در حالی که افراد تحصیل کرده عمدتاً از تلفظ معیار فارسی استفاده می‌کنند (Baranzehi, 2003: 77). صامت‌های گویش سراوانی به شرح زیر است:

جدول ۶: صامت‌های گویش سراوانی بلوچی مرکزی (Baranzehi, 2003: 80)

حلقی	ملازی	پیش-کامی	برگشته	دندانی-لیبی	انسدادی
		/ کامی		لثوی	
	k		ʈ	t	P
	g		ɖ	d	b
	č				انسایشی
	ǰ				
h	(x)	š	s	(f)	سایشی
	(ġ)	ž	z		
	ŋ		n	m	خیشومی
			r		روان
			l		کناری
	y			w	غلطان

همچنین واژه‌های این گویش که با دیگر گویش‌های زبان بلوچی یکسان هستند، شامل مصوت‌های بلند ā, ī, ū, ē, ō. مصوت‌های کوتاه a, e, o و مصوت‌های مرکب ey و aw می‌باشند (Baranzehi, 2003: 77).

یکی از ویژگی‌های خاص گویش سراوانی بلوچی ساخت و استفاده فراوان گونه‌های جعلی افعال با پسوند -est است که کاملاً متفاوت با دیگر گویش‌های بلوچی می‌باشد. همان‌گونه که بیان شد پسوند -ist یکی از پسوندهای جعلی ساز افعال است که اولین بار در دوره میانه زبان‌های ایرانی در زبان‌های مانند فارسی میانه دیده شده است. با توجه به فراوانی بسیار زیاد

این ترکیبات در گویش سراوانی بلوچی و شناخته شده بودن ریشه تاریخی آن‌ها در ادامه بحث ضمن دسته‌بندی این افعال، به بررسی تطبیقی آن‌ها با دو گویش پرکاربرد مکرانی و رخشانی (گویش‌های جنوبی و شمالی) بلوچی و همچنین مقایسه صورتی آن‌ها با فارسی میانه و فارسی نو جهت رسیدن به نتایجی نوپیرامون این افعال در زبان‌های ایرانی پرداخته خواهد شد. برای رسیدن به این مقصود افعال جعلی گویش سراوانی در حالت مصدری آن‌ها دسته‌بندی شده و صورت‌های معادل این افعال به شرحی که در ادامه خواهد آمد، در زبان‌های فارسی نو، فارسی میانه و بلوچی رخشانی و بلوچی مکرانی نیز ارائه گردید. روش گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و کتابخانه‌ای بوده است. با توجه به پردازش کم‌اینگونه افعال در گویش‌هایی مانند گویش سراوانی و ناچیز بودن منابع مکتوب از این گویش، برای جمع‌آوری افعال روش میدانی انتخاب و مدنظر قرار گرفت، اما به منظور یافتن معادل‌های این افعال از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به فرهنگ‌های بلوچی سیدگنج (۲۰۰۰)، بلوچی لبزبلد (۲۰۱۵) و فرهنگ بلوچی فارسی جهان‌دیده (۱۳۹۶) و فرهنگ‌های فارسی میانه مکنزی (۱۹۷۱) و فره‌وشی (۱۳۸۱) و فرهنگ فارسی معین (۱۳۵۱) استفاده و داده‌ها در قالب جدول ذیل مرتب گردیدند.

جدول ۷: مقایسه مصادر جعلی با پسوند -ist- گویش سراوانی با زبان‌ها و گویش‌های خویشاوند آن (منبع: یافته‌های پژوهش)

سراوانی (مرکزی)	رخشانی (شمالی)	مکرانی (جنوبی)	فارسی میانه	فارسی نو
pāyesten			apāyistan	خواستن
čāresten	čāreten	čārag	nikīristan	نگریستن
hāresten	hāreten	hārag		خاریدن
pūsseten	pūsseten	pūsag	pūsītan	پوسیدن
čūššesten	čūššeten	čūššag	čašītan	چشیدن
tasesten	taseten	tasag		رنگ چیزی تغییر کردن، کهنه شدن
soresten	soreten	sorag		نکان خوردن
šānesten	šāneten	šānag	vāmītan	استفراغ کردن
hūššesten	hūššeten	hūššag	xušītan	خشک شدن
torseten	torseten	torsag	tarsītan	ترسیدن
šāpeten	šāpeten	šāpag	ōbaxšītan	فرو ریختن
šāpeten	šāpeten	šāpag		شخم زدن
ṭappeten	ṭappeten	ṭappag	kōftan	کوبیدن
mīsseten	mīsseten	mīssag	xvistan	خیس شدن
pahmeten	pahmeten	pahmag	hōšītan	فهمیدن
raṭeten	raṭeten	raṭag	dūyītan	حرف زدن
loḍeten	loḍeten	loḍag		ریختن
koṭṭeten	koṭṭeten	koṭṭag		کوبیدن
ḍabbeten	ḍabbeten	ḍabbag		پنهان کردن
bodḍeten	bodḍeten	bodḍag	ōbaxšītan	فرو رفتن
ponḍeten	ponḍeten	ponḍag		مالیدن
poleten	poleten	polag		غارت کردن
halleten	halleten	hallag		تمام شدن
manneten	manneten	mannag		تایید کردن

رسیدن		rasag	raseten	rasesten
خندیدن	xandītan	handag	handsten	handesten
تکان خوردن	čandītan	čandag	čandeten	čandesten
گدایی کردن		pendag	pendeten	pendesten
فرو رفتن		loppag	loppeteten	loppesten
کوچ کردن		laddag	laddeten	laddesten
تکان خوردن	larzītan	loddag	loddeteten	loddesten
چسبیدن		laččag	laččeten	laččesten
قطع کردن	karrēnītan	goddag	goddeteten	goddesten
پارس کردن		gappag	gappeten	gappesten
از جا پریدن		godag	godeten	godesten
کباب شدن		paššag	paššeten	paššesten
کسب کردن		kaṭṭag	kaṭṭeten	kaṭṭesten
ترکیدن، منفجر شدن		paṭṭag	paṭṭeten	paṭṭesten
ترکیدن		trakkag	trakketen	trakkesten
کشیدن	kašītan	kaššag	kaššeten	kaššesten
گیر کردن	girīhastan	passag	passeten	passesten
چکیدن	pašang	peṭṭag	peṭṭeten	peṭṭesten
سرفه کردن		ḡakkag	ḡakketen	ḡakkesten
زانو زدن		ḡokkag	ḡokketen	ḡokkesten
چسبیدن		časpag	časpeten	časpesten
مکیدن	mēčītan	mēčag	mēčeten	mēčesten
جنبیدن	ḡumbītan	ḡumbag	ḡumbeten	ḡumbesten
درخشیدن	drafšītan	topag	topeten	topesten
نجات یافتن	bōḡītan	baččag	baččeten	baččesten
بازگشتن، پشیمان شدن	Apāč vaštan	baḡḡag	baḡḡeten	baḡḡesten
لیسیدن	listan	čaṭṭag	čaṭṭeten	čaṭṭesten
برهنه کردن، غارت کردن	rūtan	lūṭṭag	lūṭṭeten	lūṭṭesten
به هم زدن		pīssag	pīsseten	pīssesten
به عقب کشیدن		žappag	žappeten	žappesten
دویدن	taxtan/davistan	tačag	tačeten	tačesten
پیچیدن	pēčītan	pēčag	pēčeten	pēčesten
پاره شدن		čalag	čaleten	čalesten
باریدن	vārītan	gwārag	gwāreten	gwāresten
حرکت کردن	rōwtan	rombag	rombeten	rombesten
رشد کردن		rodag	rosten/rodeten	rosten/rodesten

dīsten	dīsten	gendag حالت گذشته سوم شخص مفرد: dīt	dītan	دیدن
sesten	sesten	sedag	visistan	گسستن
ġesten	ġe(h)ten	ġehag	virēxtan/davistan	گریختن، دیدن
nesten	nešten	nendag	nišāstan	نشستن
basten	basten	bandag	bastan	بستن

۴. نتیجه‌گیری

تمامی زبان‌های ایرانی به دلیل داشتن نیای مشترک و جدا شدن از ریشه واحد، شباهت‌های فراوانی در ویژگی‌های آوایی و ساختارهای نحوی با یکدیگر دارند و پژوهش‌های متعدد در کشف این شباهت‌ها این موضوع را به اثبات رسانده‌اند. وجود شواهدی از برخی زبان‌های کهن مرده یا صورت‌های پیشین برخی زبان‌های زنده کنونی، و همچنین تطابق ویژگی‌های آوایی و نحوی این زبان‌های قدیمی با زبان‌های نوین ایرانی، امکان دستیابی به نتایج جالب و قابل توجهی درباره ساختارهای گسترده نحوی و ویژگی‌های آوایی هر دو دسته زبان‌های ایرانی (کهن و کنونی) فراهم می‌کند و در ارتقای دانش ما درباره این ویژگی‌ها و یافتن ریشه آن‌ها نقش مؤثری دارد. با مشاهده و بررسی جدول تطبیقی شماره ۷، نتایج بسیار جالب و قابل توجهی استخراج می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

- پسوند -ist- که در ساخت افعال جعلی به کار می‌رود، در دیگر گویش‌های بلوچی غربی کاربردی ندارد. به گونه‌ای که در میان افعال انتخابی از گویش مرکزی سراوانی که معادل آن‌ها در گویش‌های شمالی و جنوبی بلوچی غربی نیز ذکر شده است، تنها دو فعل dīsten (دیدن) و sestēn (گسستن) در گویش رخشانی با گویش سراوانی یکسان بوده‌اند؛ این شباهت احتمالاً نتیجه نوعی پیروی قیاسی است. البته با توجه به تفاوت ساختاری این دو فعل نسبت به دیگر افعال جدول، ممکن است دلایل تاریخی دیگری برای آن‌ها وجود داشته باشد. همچنین واج «س» در اینجا ممکن است شکل تحول‌یافته‌ای از «د» باشد که در کنار «ت» پس از خود به «س» تبدیل شده است. در گویش مکرانی نیز هیچ مورد مشابهی مشاهده نشده است.

- با نگاهی به افعال جعلی گویش سراوانی و تطبیق آن‌ها با معادل‌های فارسی میانه و نو نیز نتایج بسیار جالبی به دست می‌آید. یکی از مشاهدات مهم این است که معادل فارسی افعال جعلی ذکر شده در جدول در اکثر موارد به صورت غیر جعلی و اصلی هستند؛ به طوری که از میان افعال ذکر شده در جدول تنها افعال apāyestan = pāyesten (خواستن)، ačāresten = nikīristan (نگریستن)، obaxšistan = šapesten (فروریختن)، sestēn = visistan (گسستن)، nesten = nišāstan (نشستن) مشابهت یافت شد. اما افعال بسیار دیگری نیز مشاهده شد که معادل آن در فارسی میانه و نو به روش دیگری (افزودن پسوند īd/īt) جعلی شده‌اند. در این مورد می‌توان از افعال pūsītan = pūssesten (پوسیدن)، čuššesten = čušītan (چشیدن)، hūššesten = xušītan (خشکیدن)، xandītan = handesten (خندیدن)، ačandēsten = čandītan (تکان خوردن)، kaššesten = kašītan (کشیدن)، mēčesten = mēčītan (مکیدن)، jumbesten = jumbītan (جنبیدن)، bōjītan = baččesten (نجات یافتن)، pēčītan = pēčesten (پیچیدن)، gwāresten = vārītan (باریدن)، dīsten = dītan را نام برد.

در این جا ذکر این نکته نیز ضروری است که بسیاری از افعال جعلی فارسی میانه و نو که با پسوند -ist- ساخته شده‌اند، معادل و نمود آن‌ها در گویش سراوانی بلوچی نیز وجود دارد؛ مانند افعال dānistan (دانستن) و tuwānistan (توانستن) در فارسی میانه که معادل آن‌ها در بلوچی سراوانی به صورت dānten و towānten آمده است.

در مجموع، با توجه به وجود نمودهایی از فعل جعلی با پسوند -ist - در برخی زبان‌های دوره میانه مانند پهلوی و همچنین یافتن ارتباط معنادار میان افعال گویش سراوانی بلوچی، نتیجه نهایی این است که افعال جعلی گویش سراوانی ریشه در دوره‌های میانه و باستانی این زبان و گویش دارد.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۷). دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت).
- جهاننیده، عبدالغفور (۱۳۹۶). فرهنگ بلوچی - فارسی. چاپ‌بهار: انتشارات معین با همکاری دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.
- حق بین، فریده (۱۳۸۲). بررسی ساخت‌های نامتعدی در زبان فارسی. علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ۴۸ و ۴۹: ۶۱-۹۶.
- دشتی، جان محمد (۲۰۱۵). بلوچی لبز بلد، بلوچی اکیدمی. کویته.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰). مسائل تاریخی زبان فارسی. تهران: سخن.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). تحول افعال بی قاعده زبان فارسی. جستارهای نوین ادبی، ۲۴: ۷۹۱-۸۰۱.
- غلامحسین زاده، غلامحسین، جبر، میسا، عباسی، زهرا (۱۳۹۷). ساخت واژه فعل در زبان فارسی. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۱۵، ۵۹: ۶۳-۸۶.
- فروشی، بهرام (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کرمپور، فاطمه، بی‌جن خان، محمود، چراغی، زهرا (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل واج شناختی افعال بی قاعده زبان فارسی معاصر: رویکرد بهینگی. پژوهش‌های زبانی، ۲، ۱: ۵۱-۸۲.
- محمودزهی، موسی (۱۳۷۹). درآمدی بر زبان بلوچی. ندای اسلام، شماره ۲.
- معین، محمد (۱۳۵۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منصوری، یدالله (۱۳۸۴). بررسی ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری. نامه فرهنگستان، ۶، ۲: ۱۰۸-۱۲۴.
- هاشمی، سید ظهورشاه (۲۰۰۰). سید گنج (بلوچی بزانت بلد)، سیدهاشمی اکیدمی. کراچی.

Abolghasemi, M. (2018). *Historical grammar of Persian*. Tehran: SAMT. (in Persian)

Ahangar, A. A., Van Oostendorp, M., & Soohani, B. (2013). Relationship between phonological and geographical distance: Persian, Sarawani Balochi and Sistani dialect. *GEMA Online® Journal of Language Studies*, 13(2), 117-134.

Baranzehi, A. N. (2003). The Sarawani dialect of Balochi and Persian influence on it. In C. Jahani & A. Korn (Eds.), *The Baloch and their neighbors: Ethnic and linguistic contact in Balochistan in historical and modern times* (pp. 75-111).

Barker, M. A., & Mengal, A. K. (1969). *A course in Baluchi* (2 vols.). Montreal: McGill University.

Dames, M. L. (1891). *A textbook of the Balochi language, consisting of miscellaneous stories, legends, poems, and a Balochi-English vocabulary*. Lahore.

Dashti, J. M. (2015). *Balochi Labz Bald*. Quetta: Balochi Academy. (in Persian)

Elfenbein, J. (1966). *The Baluchi language: A dialectology with texts*. London: Royal Asiatic Society Monographs.

Elfenbein, J. (1989). Baloci. In R. Schmitt (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*. Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.

Faravashi, B. (2002). *Pahlavi-Persian Dictionary*. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)

- Farhadi, F. (2003). An analysis of intransitive constructions in Persian. *Human Sciences Journal of Al-Zahra University*, 48-49, 61-96. (in Persian)
- Geiger, W. (1889). Dialektspaltung im Balūčī. *Abhandlungen der I. Classe der Königlich Bayerischen Akademie der Wissenschaften*, 18(1), 65-92.
- Gholamhosseinzadeh, G., Jabar, M., & Abbasi, Z. (2018). Word formation of verbs in Persian. *Literary Studies Quarterly*, 15(59), 63-86. (in Persian)
- Grierson, G. A. (1921). Balōchī. In *Linguistic Survey of India X: Specimens of languages of the Eranian family* (pp. 327-451). Calcutta.
- Hashemi, S. Z. (2000). *Seyed Ganj (Balochi Bazant Bald)*. Karachi: Seyed Hashemi Academy. (in Persian)
- Jahandideh, A. (2017). *Balochi-Persian Dictionary*. Chabahar: Moein Publications in cooperation with the University of Marine Sciences and Maritime Chabahar. (in Persian)
- Jahani, C. (1989). *Standardization and orthography in the Balochi language* (Studia Iranica Upsaliensia 1). Uppsala.
- Jahani, C. (2001). Balochi. In J. Garry & C. Rubino (Eds.), *Facts about the world's languages: An encyclopedia of the world's major languages, past and present* (pp. 59-64). New York/Dublin.
- Jahani, C., & Korn, A. (2009). Balochi. In G. Windfuhr (Ed.), *The Iranian languages* (pp. 634-692). London/New York: Routledge.
- Karampour, F., Bijankhan, M., & Cheraghi, Z. (2011). Phonological analysis of irregular verbs in contemporary Persian: An optimality theory approach. *Linguistic Research*, 2(1), 51-82. (in Persian)
- MacKenzie, D. N. (1971). *A concise Pahlavi dictionary*. London: Oxford University Press.
- Maghsoudi, M. (2000). *An Introduction to the Balochi Language*. Neday-e-Islam, 2. (in Persian)
- Mansouri, Y. (2005). An analysis of the structure of pseudo-verbs in Middle Persian and Dari Persian. *Name-ye Farhangestan*, 6(2), 108-124. (in Persian)
- Moein, M. (1972). *Moin Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)
- Sadeghi, A. A. (1971). The transformation of irregular verbs in Persian. *Jostarhā-ye Nowin-e Adabi*, 24, 791-801. (in Persian)
- Sadeghi, A. A. (2001). *Historical issues of the Persian language*. Tehran: Sokhan. (in Persian)